رویش روان شناسی، سال۱۳، شماره۱۱، شماره پیاپی ۱۰۴، بهمن ۱۴۰۳
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),13(11), 2025

رهیافتی پدیدارشناسانه از تجارب تعارضات خانوادگی دانش‌آموزان دختر

A phenomenological approach to the conflict between parents and female students

محمد علی پور
دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
زهرا مصباح فلاطونی
دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
سید علیرضا قاسمی (نویسنده مسئول)
دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
فرخ رو جلیلی
استادیار گروه آموزش روانشناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۱۴۶۶۵-۸۸۹، تهران، ایران.
فاطمه جوان
دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، ایران.

Mohammad Alipour
PhD student in Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.
Zahra Mesbah Falatooni
Master's student in Educational Psychology, Department of Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.
Seyed Alireza Ghasemi*
Master's student in Educational Psychology, Department of Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.
s.alirezaghasemi@birjand.ac.ir
Farokhro Jalili
Assistant Professor, Psychology Education and Counseling Department, Farhangian University, PO Box 889-14665, Tehran, Iran.
Fatemeh Javan
Master's student in General Psychology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Iran.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر واکاوی تجارب زیسته دانش‌آموزان دختر از تعارضات میان آنان و والدین بود. روش پژوهش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ انجام شد. مشارکت کنندگان در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول و دوم شهرستان‌های قاین و نهبندان خراسان جنوبی بودند. در واقع داده‌های پژوهش، پس از مصاحبه با این ۱۰ نفر، به اشباع نظری رسید. داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها به روش هفت مرحله‌ای کلایزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت اعتباربخشی به یافته‌ها از ملاک چهارگانه گوبا و لینکلن استفاده شد. تجارب دانش‌آموزان دختر در دو طبقه اصلی، شش طبقه فرعی و بیست کد طبقه بندی شد که طبقات اصلی آن شامل علل تعارضات و پیامدهای تعارض و طبقات فرعی شامل استقلال، شکاف بین نسلی، تعصبات فرهنگی و مذهبی و تبعیض‌های جنسیتی، پیامدهای عاطفی روانی، پیامدهای تحصیلی، از داده‌ها استخراج شد. از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که علل تعارضات والد-فرزندی ناشی ازدو مقوله ویژگی‌های نوجوانی از قبیل استقلال طلبی و رشد هویت فردی ارتباط زیاد با رسانه هاست که منجر به شکاف نسلی گشته و همچنین تعصبات فرهنگی و مذهبی علاوه بر موارد مذکور موجب تفاوت دیدگاه فرزندان با والدین و تعارض می‌گردد که تعارض و عاطفی-روانی پیامدهای تحصیلی را به‌دنبال دارد.

واژه‌های کلیدی: *پدیدارشناسی، تعارضات خانوادگی، آموزشی و تربیتی، پیامد، دانش‌آموزان دختر، والدین.*

Abstract

The present study aimed to explore the lived experiences of female students from conflicts between them and their parents. The research method was qualitative and used a phenomenological approach in the academic year 2022-2023. The participants in this study were 10 female students from the first and second levels of secondary school in Qain and Nehbandan cities of South Khorasan using a purposive sampling method. The research data reached theoretical saturation after interviewing these 10 people. The data extracted from the interviews were analyzed using the seven-step Claise method. The four criteria of Guba and Lincoln were used to validate the findings. The experiences of female students were classified into two main categories, six subcategories, and twenty codes, the main categories of which included causes of conflicts and consequences of conflict, and the subcategories of independence, generational gap, cultural and religious prejudices, gender discrimination, emotional and psychological consequences, and educational consequences. From the research findings, it can be concluded that the causes of parent-child conflicts are due to two categories of adolescent characteristics, such as independence and the development of individual identity, excessive contact with the media, which leads to a generation gap, and cultural and religious prejudices, in addition to the aforementioned issues, cause differences in the views of children and parents and conflict, which leads to conflict and emotional-psychological educational consequences.

Keywords: *Phenomenology, Family Conflicts, Education and Upbringing, Consequence, Female Students, Parents.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : فروردین ۱۴۰۳** **پذیرش: آذر ۱۴۰۳** **ویرایش نهایی: بهمن ۱۴۰۳**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

مقدمه

روابط خانوادگی باثبات نقش مهمی در رشد کودکان و نوجوان دارد (کیو[1] و همکاران، ۲۰۲۲). در همین راستا، والدین اولین، مهم‌ترین و مؤثرترین افراد در زندگی هر فرد هستند؛ به گونه‌ای که عمده نظریه‌پردازان رشدی در این باور مشترک‌اند که کیفیت رابطه تجربه‌شده بین هر فرد با والدینش تأثیر قابل‌توجهی بر شکل‌گیری شخصیت و سلامت روان فرزندان دارد (سعادتی و همکاران، ۱۳۹۹). روابط والد-فرزند[2] نشان‌دهنده ابتدایی‌ترین واصلی‌ترین روابط اجتماعی انسان در گستره زندگی کودکان و نوجوانان است (جعفری ندرآبادی و همکاران، ۱۴۰۱). رابطه والد-فرزند نخستین معرف دنیای ارتباطات فرزندان و یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است (اینانلو و همکاران، ۱۴۰۱) و شامل ترکیبی از رفتارها، احساسات، انتظارات منحصربه‌فردی است که بین والدین و فرزندانشان وجود دارد و نقش مهمی در آسیب‌پذیر شدن یا منعطف شدن فرزندان دارد (جانسون و روگرز[3]، ۲۰۲۳) به‌عبارتی‌دیگر، رابطه والد-فرزندی رابطه‌ای دوسویه است که رفتارهای والدین، علاوه بر تأثیرات جسمی در فرزندان (قاضی و همکاران، ۱۴۰۰)، بر رشد و تحول شناختی، اجتماعی و هیجانی فرزندان تأثیر می‌گذارد و ویژگی‌ها و رفتارهای فرزندان نیز سبب فراخوانی نوع خاصی از فرزند پروری در والدین می‌شود (گانگ[4] و همکاران، ۲۰۲۲؛ یوسفی و همکاران، ۱۴۰۱). کیفیت رابطه والدین و فرزندان ارتباط نزدیکی با رفتارهای نوجوانان، سازگاری روانی و بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها دارد (امری[5] و همکاران، ۲۰۲۱). کیفیت بالای روابط والدین و فرزندان، با درآمیختگی، ساختار و احترام متقابل زیاد و تعارض کم، مشخص می‌شود ضمن اینکه کیفیت این روابط به خودمختاری فرزندان کمک کرده و اتکا به خود بالا، شایستگی تحصیلی و عزت‌نفس مطلوب را در آن‌ها پیش‌بینی می‌کند (ژائو[6] و همکاران، ۲۰۲۰). وقتی روابط والدین با فرزندان صمیمانه و حمایت‌کننده باشد به فرزندان امکان می‌دهد تا عقاید و نقش‌های مختلف را بررسی کنند (محرابیان و همکاران، ۱۴۰۱)؛ هم‌چنین وجود ارتباط والد-فرزند مثبت در یک خانواده با سطوح بالای حمایت روانی و صمیمیت ارتباط مثبت و با افسردگی فرزندان ارتباط منفی دارد (آقامیرمحمدعلی، ۱۳۹۹). در این زمینه پژوهش‌ها حکایت از رابطه مثبت و معنی‌دار میان صمیمت در خانواده و سلامت روان فرزندان دارند (دوکا[7] و همکاران، ۲۰۲۳)

در مقابل پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که تعارض در روابط والد-فرزند مهم‌ترین پیش‌بینی کننده مشکلات رفتاری نوجوانان نیز می‌باشد (پانگ[8] و همکاران، ۲۰۲۲). هم‌چنین بیشترین اختلافات والدین و فرزندان در دوره نوجوانی فرزند پیش می‌آید (یزدان و همکاران، ۱۴۰۱). درک نکردن نوجوانان، باعث کشمکش و تعارض میان آنان و والدین می‌شود (مجلسی آذر و همکاران، ۱۳۹۹). تعارض می‌تواند مفید یا مخرب باشد، گاهی تعارض با والدین می‌تواند به‌عنوان بخش عادی روابط خانوادگی محسوب شود و این درگیری‌ها به رشد خودمختاری و استقلال بینجامد اما تعارض زیاد با والدین که می‌تواند از منابع مختلف ایجادشده باشد ممکن است به روند رشد سالم روان‌شناختی فرزندان آسیب برساند و موجب شود فرد دچار مشکلات درونی و بیرونی نظیر اعتمادبه‌نفس پایین، مشکل در سلامت جسمانی، مشکلات تربیت و آموزشی در مدرسه و هم‌چنین افت عملکرد تحصیلی گردد (خضری و همکاران، ۱۴۰۰)؛ لذا تعارض والد فرزندی، تعاملی است ناراحت‌کننده بین والد و فرزندی که تمایل یا توانایی گوش کردن به ناراحتی‌های یکدیگر را ندارند و رفتار آن‌ها با تنش، خصومت و پرخاشگری همراه باشد (جیانگ و لین[9]، ۲۰۲۴). پرواضح است که عدم توجه به تعاملات والد-فرزند و وجود چرخه معیوب در آن، باعث ایجاد رفتارهای مخرب، مشکلات رفتاری، بزهکاری، بروز رفتارهای خلاف اجتماع، کاهش اعتمادبه‌نفس، کاهش عملکرد اجتماعی در فرزندان و عدم نظم و انضباط قاطعانه، افزایش استرس و تنیدگی و ناخشنودی در والدین می‌گردد و پیامدهای مختلفی را به همراه دارد (وارسته، ۱۳۹۵). شیرالی نیا و همکاران (۱۳۹۸) نوع رابطه والد-فرزند مانند طرد کردن، کنترل مضاعف، محافظت و حمایت بیش‌ازحد، باورهای غیرمنطقی والد به‌ویژه مادر در بروز مشکلات رفتاری دوران نوجوانی مؤثر است. هم‌چنین تحقیقات نشان داده‌اند سطوح بالای تعارض بین والدین و فرزندان با پیامدهای اجتماعی خطرآفرینی ازجمله سوءمصرف مواد و مصرف الکل و همچنین بحران وجودی آنها نیز ارتباط دارد (عزت پور و همکاران، ۱۳۹۹).

بررسی پیشینه موجود در خصوص تعارضات والدین حاکی از این است که تاکنون کمتر پژوهشی این تعارضات را با روش کیفی بررسی نموده است. این پژوهش با واکاوی تجارب زیسته دانش‌آموزان دختر از تعارضات با والدین، به دلایلی چند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تعارضات خانوادگی می‌تواند روابط والدین و فرزندان را تحت تأثیر قرار داده و منجر به مشکلات روانی مانند اضطراب و افسردگی در دانش‌آموزان شود؛ بنابراین، شناخت این تعارضات و علل آن‌ها، به بهبود روابط خانوادگی و کاهش مشکلات روانی کمک می‌کند. همچنین، این پژوهش با فراهم‌سازی

1 Qiu
2 Parent-child relationship
3 Johnson & Rogers
4 Gong
5 Emrie
6 Zhao
7 Duca
8 Pang
9 Jiang &Lin

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

درک بهتر از نیازها و دیدگاه‌های دانش‌آموزان دختر به عنوان نسل آینده، زمینه‌ساز تدوین برنامه‌های تربیتی مناسب خواهد بود. استفاده از روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی در این پژوهش، به پژوهشگر امکان می‌دهد تا به عمق تجارب، دیدگاه‌ها و احساسات دانش‌آموزان دست یابد و به توصیف دقیقی از این تعارضات بپردازد. علی‌رغم وجود خلأ پژوهشی و روش‌شناختی، هاشمی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی نتیجه گرفتند نوجوانان سازگار در رابطه با والدین ادراکات مثبت بیشتری نسبت به خود گزارش کردند و همچنین نسبت به والدین و ارتباط برقرار کردن و گفتگو با آن‌ها دید مثبت‌تر و ثمربخش‌تری داشتند، در مقابل نوجوانان ناسازگار در تعامل با والدین هم خود ادراکی منفی را گزارش کردند. در پژوهش کیفی یوسفی و همکاران (۱۴۰۰)، مشخص شد پیامدهای تعارض والد-نوجوان متأثر از راهبردهایی است که آن‌ها برای حل تعارض به کار می‌برند. در پژوهش لانگ[1] و همکاران (۲۰۲۰) مشخص شد تعارض والد-کودک به‌طور قابل‌توجهی با تمام اشکال عملکرد عاطفی اجتماعی کودکان مرتبط است، درحالی‌که نزدیکی والدین-کودک فقط با شایستگی کودک مرتبط بود. در تحقیق دیگری که توسط سانگ[2] و همکاران (۲۰۲۲) انجام شد، نتایج نشان داد تعارضات و اختلافات فراوان رابطه والد-فرزند می‌تواند پیش بین بدرفتاری و بروز علائم افسردگی در کودکان و نوجوانان باشد. لی[3] و همکاران (۲۰۲۲) نیز نشان دادند کیفیت پایین رابطه والد-فرزند موجبات کاهش عزت‌نفس در کودکان را فراهم می‌آورد. شائو و کانگ[4] (۲۰۲۲) نشان دادند که رابطه والد-کودک یک عامل تأثیرگذار در مشارکت یادگیری دانش‌آموزان است و موجبات رشد تربیتی و تحصیلی آن‌ها را فراهم می‌آورد.

نظر به اهمیت ارتباطات میان فردی بین والدین و فرزندان، هر پژوهشی در این حوزه بسیار پیچیده و چالش‌برانگیز است (ساعی، ۱۴۰۱). علت اصلی چالشی بودن مطالعه ارتباطات بین والدین و فرزندان این است که آن‌ها به دو نسل متفاوت تعلق دارند. نظر به این‌که تعارض میان والدین و فرزندان پیامدهای آموزشی و تربیتی و متعددی را به دنبال دارد و ممکن است بر آینده تحصیلی، اجتماعی و شغلی دانش‌آموزان دختر مؤثر باشد، پژوهش حاضر باهدف بررسی تجارب زیسته دانش‌آموزان دختری انجام‌گرفته است که در ارتباط با والدین خود دچار تعارض و اختلاف شده‌اند. بدیهی است نتایج پژوهش ضمن تبیین تعارضات و اختلافات میان والدین و دانش‌آموزان، این ضرورت را متوجه متصدیان سازمان‌های آموزشی و پرورشی می‌کند تا در راستای کاهش حداکثری این تعارضات از طریق فرهنگ‌سازی و آموزش، اهتمام ویژه‌ای ورزند.

روش

با توجه به ماهیت موضوع موردمطالعه، شیوه و رویکرد پژوهش حاضر، کیفی از نوع پدیدارشناسی[5] بود. مشارکت‌کنندگان این پژوهش ۱۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول (۵ نفر) و دوم (۵ نفر) شهرستان‌های قاین (۵ نفر) و نهبندان (۵ نفر) در استان خراسان جنوبی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند، که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند از نوع معیار، دانش‌آموزانی که بیشترین مراجعه را از بابت اختلاف با خانواده خود به مشاور مدرسه داشتند، به عنوان جامعه و میدان پژوهش انتخاب شدند. سپس فرآیند آغاز مصاحبه بر حسب ملاک‌های ورود آغاز شده و پس از اخذ ۱۰ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته با دانش‌آموزان مذکور، پس از مصاحبه با ۱۰ نفر اشباع نظری نیز حاصل شد. ملاک ورود به پژوهش شامل تمایل به شرکت در مصاحبه، داشتن وضعیت خانوادگی معمولی (عدم طلاق و فوت یکی از والدین)، سلامت جسمانی طبق پرونده بهداشتی دانش‌آموزان و داشتن سابقه گزارش تعارض با والدین به مشاور مدرسه بود. ملاک خروج از پژوهش نیز شامل عدم رضایت به ضبط و تحریر صحبت‌ها و عدم رغبت به شرکت در پژوهش بود. لازم به ذکر است در تمامی مراحل انجام پژوهش، از نگارش متن مقاله تا مصاحبه و گزارش نتایج، اصول اخلاق در پژوهش شامل حفظ محرمانگی و امانت داری رعایت شد. مصاحبه‌های مربوطه از طریق تعیین وقت قبلی انجام گرفت.

ابزار سنجش

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته[6] بود که این فرآیند تا اشباع نظری داده‌ها ادامه پیدا کرد. علت استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته نیز این بود که مصاحبه نیمه ساختاریافته به دلیل انعطاف‌پذیری آن در پرسشگری و امکان پیگیری عمیق‌تر موضوعات مورداستفاده قرارگرفته است (ادویه-اولاتوند و اولنیک[7]، ۲۰۲۱). این نوع مصاحبه به پژوهشگر اجازه می‌دهد که به تجربیات و احساسات شخصی نوجوانان بیشتر توجه کند و معنای این تعارضات را از دیدگاه خود آن‌ها به‌طور کامل استخراج کند. همچنین، فضای بازتری برای مصاحبه‌شونده فراهم می‌کند تا آزادانه تجربیاتش را بیان کند. این روش به پژوهش کمک می‌کند تا جزئیات ظریف و غیرمنتظره‌ای از تعارضات خانوادگی را کشف

1 Lang
2 Song
3 Li
4 Shao & Kang
5 phenomenological method
6 Semi-Structured interview
7 Adeoye-Olatunde & Olenik

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

کند. مدت‌زمان هر مصاحبه با هر یک از دانش‌آموزان، ۲۰ تا ۲۵ دقیقه بود. بعد از ضبط شنیداری، تمامی فایل‌های صوتی حاصل از مصاحبه‌ها، به رشته تحریر درآورده شد و به شیوه کدگذاری مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند. در این پژوهش، فرآیند تعیین و غنی‌سازی سؤالات مصاحبه با مرور پیشینه پژوهش آغاز شد، که به تدوین سؤالات اولیه بر اساس مفاهیم و تئوری‌های مرتبط با تعارضات نوجوانان با والدین انجامید. پس از طراحی، سؤالات توسط گروه پژوهشی یا کارشناسان موردبازنگری قرار گرفتند تا از وضوح و جامعیت آن‌ها اطمینان حاصل شود. همچنین در مراحل تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA-12 استفاده شد.

جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی[1] (۲۰۰۲) استفاده شد. در این راهبرد، در مرحله اول یادداشت‌برداری از مصاحبه‌ها صورت پذیرفت. در مرحله دوم اظهارات و اصلاحات مرتبط با بحث بیرون کشیده شد. در مرحله سوم، از هریک از اظهارات یک مفهوم تدوین‌شده که بیانگر تفکر اساسی فرد بود، استخراج شد. مرحله چهارم، پس از بررسی چندباره، خوشه‌های معنایی شکل‌گرفته و ارتباط آن با مقوله‌های کلی صورت گرفت. مرحله پنجم، نتایج برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند داده و دسته‌های کلی‌تری به وجود آمدند. مرحله ششم تقلیل سازی از یافته‌ها صورت پذیرفت؛ به‌طوری‌که توصیفات زائد، غیرقابل کاربرد و اغراق‌شده از ساختار کلی داده‌ها حذف گردید و در مرحله هفتم باهدف تأیید یافته‌های پژوهش، با استفاده از روش بازبینی اعضا انجام گرفت (محمدپور، ۱۳۸۹). برای اطمینان از قابلیت پایایی[2] مصاحبه‌های انجام شده در پژوهش حاضر، از روش توافق بین دو کدگذار[3] برای استفاده شد (محمدپور، ۱۳۸۹). برای محاسبه پایایی از طریق روش توافق دو کدگذار (ارزیاب) از یکی از اساتید که بر موضوع این تحقیق اشراف داشت درخواست شد تا به‌عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در این پژوهش مشارکت کند؛ سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد ۳ مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحقیق به کار می‌رود با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

۱ × تعداد کل کدها ÷تعداد توافقات ×۲ = درصد توافق درون موضوعی

جدول ۱. محاسبه پایایی بین دو کدگذار

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کدها	تعداد توافقات	پایایی بین دو کدگذار (درصد)
۱.	۹	۱۸	۸	۸۸٪
۲.	۵	۲۳	۹	۷۸٪
۳.	۷	۱۲	۵	۸۳٪
جمع		۵۳	۲۲	۸۳٪

همان‌طور که از جدول فوق پیداست پایایی بین دو کدگذار ۸۳ درصد گزارش شد و این مقدار از ۶۰ درصد (کوال[4]، ۱۹۹۶) بیشتر می‌باشد. از این رو؛ می‌توان گفت که ابزار اندازه گیری این پژوهش، از قابلیت اعتماد خوبی برخوردار می‌باشد. جهت ارزیابی نتایج پژوهش کیفی حاضر، از معیارهای گوبا و لینکلن[5](۱۹۸۵) استفاده‌شده است. گوبا و لینکلن از عنوان اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد[6]برای ارزیابی نتایج پژوهش کیفی استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آن‌ها اعتماد کرد (محمدپور، ۱۳۸۹).

یافته ها

در ابتدا، اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش ارائه می‌شوند.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش حاضر

مشارکت‌کننده	سن	مقطع تحصیلی	شغل پدر	شغل مادر
۱.	۱۳	متوسطه اول	معلم	خانه‌دار
۲.	۱۶	متوسطه دوم	آزاد	خانه‌دار

1 Colaizzi
2 Reliability
3 Intercoder Agreement
4 Kvale
5 Guba & Lincoln
6 Trustworthiness

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

۳.	۱۸	متوسطه دوم	نظامی	معلم
۴.	۱۷	متوسطه دوم	نظامی	خانه‌دار
۵.	۱۸	متوسطه دوم	آزاد	کارمند بانک
۶.	۱۲	متوسطه اول	آزاد	خانه‌دار
۷.	۱۴	متوسطه اول	آزاد	آزاد
۸.	۱۵	متوسطه اول	کارمند	خانه‌دار
۹.	۱۷	متوسطه دوم	کارمند	خانه‌دار
۱۰.	۱۲	متوسطه اول	معلم	خانه‌دار

با توجه به هدف پژوهش، تجارب دانش‌آموزان دختر از تعارضات با والدینشان موردبررسی قرار گرفت. متن مصاحبه‌ها و مضامین استخراج‌شده از آن در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. نمونه‌ای از مضامین فرعی استخراج‌شده به همراه متن مصاحبه‌ها

نمونه جملات مشارکت‌کنندگان	مضمون فرعی	مضمون اصلی
من ناامید میشم چون حس می کنم پشتم نیستن ...	نا امیدی	**مشکلات عاطفی**
از حرف زدن باهاشون خسته میشم و کلافه؛ چون نمیفهمن حرف منو	خستگی عاطفی	
پدر و مادرم زود عصبانی میشن و منم عین خودشون شدم ...	پرخاشگری ناشی از والدین	**تعارضات رفتاری**
نظارت زیاد والدینم گاهی باعث میشه صمیمیت بین مون و مسائل مهم‌تر از بین بره	کاهش صمیمیت ناشی از نظارت افراطی	
تا سال هفتم تحصیلم، همه چی عادی بود اما به این سن که رسیدم و شروع هفتم، دیگه فشارهای خانواده شروع شد و من مضطرب شدم و درسم افت کرد	افت تحصیلی	**تأثیرات بر تحصیل**
اختلافم با مادرم و بعضی وقتا با پدرم باعث افت تحصیلی زیادی شد چون ذهنم رو خیلی درگیر کرد	درگیری ذهنی ناشی از تعارضات خانوادگی	
»مادرم میگه کاش دختر نداشتم و به جاش یه پسر داشتم ...	محدودیت به دلیل جنسیت	**فشارهای جنسیتی و فرهنگی**
مدام به من گیر میدن که چرا تلفن استفاده می‌کنی و خیلی بلند می خندی	تعصبات افراطی در مورد رفتارهای دخترانه	
کنار پدر و مادر وقت نمی گذرونم چون نمیتونیم ارتباط برقرار کنیم ...	عدم بیان نیازها	**عدم ارتباط و صمیمیت**
مادر و پدرها باید درک کنن دنیای مارو و اهداف و آرمان های مارو؛ چون دوره و نسل عوض شده	تفاوت نسل‌ها	**درک نشدن دنیای نوجوان**

در تحقیق حاضر مضامین اصلی و فرعی متناسب با داده‌ها بعد از تحلیل و کدگذاری به‌وسیله نرم‌افزار، در جدول ذیل ارائه‌شده است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

جدول ۴. تجارب دانش‌آموزان دختر از اختلافات خانوادگی

تم	کدهای محوری	کدهای فرعی
پیامدها	پیامدهای عاطفی روانی	عاطفی
		هیجانی
		رفتاری
		روانی
	پیامدهای تحصیلی	افت یا پیشرفت تحصیلی
		نظارت والدین بر پیشرفت دانش‌آموز
		کاهش انرژی
علل	تعصبات فرهنگی و مذهبی	خط کشی افراطی هنجارها
		ارتباط با جنس مخالف
		تعصبات افراطی و بی مورد درباره‌ی حجاب
		الگوبرداری از والدین
	تبعیض جنسیتی	محدودیت به خاطر جنسیت
		ارجحیت فرزند پسر
	استقلال طلبی	عدم بیان نیازها
		پیشرفت
		شرط تاهل برای استقلال
		کنترل گری بیش از حد
	شکاف بین نسلی	عدم صمیمیت در ارتباط با فرزندان
		سطوح متفاوت سواد رسانه
		عدم درک دنیای نوجوان
		تعریف وظایف دختر فقط در خانه

نتایج تجارب زیسته دانش‌آموزان دختر از تعارض خانوادگی در دو تم پیامدها و علل طبقه‌بندی شد. در ادامه در خصوص هر یک از این کدهای محوری، نمونه صحبت‌ها و تحلیل کاملی ارائه می‌شود.

الف) علل تعارض خانوادگی دانش‌آموز دختر

۱) عدم استقلال

طبق گفته‌های دانش‌آموزان، استقلال نداشتن یکی از شکایات شایع آن‌ها برای بروز اختلاف‌نظر و دلخوری از والدین می‌شود.ازجمله واکنش‌ها و استدلالات والدین می‌توان به کنترل گری بیش‌ازحد،شرط تأهل برای استقلال،جلوگیری از پیشرفت آن‌ها و محدود کردن به دلایل ناامنی اجتماع اشاره کرد. مصاحبه‌شونده‌ی شماره سه اظهار می‌کند:"پدر و مادرم اخلاق درستی ندارن و باعث پرخاشگری من میشن چون آدم عصبی هستم درگیر میشم و حاضر جوابم تا یک جاهایی تحمل میکنم". مصاحبه شونده ده نیز گفت :"پدر و مادرم با من مثل یک زندانی با من برخورد میکنن و فکر میکنن چون دخترم نمیتونم مستقل باشم و آزاد باشم". مصاحبه شونده شماره هفت گفت: "هر وقت در مورد دانشگاه و آیندم حرف می‌زنم، باهام دعوا می‌کنن و میگن نمی‌خواد بری لازم نکرده.مردم چی میگن یه دختر مجرد تنها بره یه شهر دیگه حتی نمیزارن با خواهرم تنها برم بیرون.چه برسه با رفیقام.شرط آزاد شدنم رو ازدواج گذاشتند و من دوست ندارم حتی با اخلاقهای بدشون ترکشون کنم". مصاحبه‌شونده‌ی شماره ده میگوید"حتی نمیذارن با اتوبوس تا کلاس زبان برم و چون مامان بابام وقت ندارن منو ببرن پس نمیذارن برم کلاس زبان و به هدف مورد علاقم برسم".

۲) شکاف بین نسلی

تعریف نقش دختر فقط در خانه و انجام وظایف خانه‌داری،عدم درک دنیای نوجوان باعث کاهش صمیمت در بین اعضای خانواده و درنتیجه شکاف بیشتر بین دنیای نوجوان و والدین می‌شود. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی دو اذعان می‌کند: "من با هیچکدومشون(والدین)صحبت نمی‌کنم.تا حالا اصلا در مورد اتفاقات مدرسه باهاشون صحبت نکردم". مصاحبه‌شونده‌ی شماره هفت می‌گوید:"به نظر من اختلاف سنی باعث عدم درک

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

دنیای نوجوان و این اختلافاتی که من با والدینم دارم نمیشه چون اونا بزرگترن و والد هستن و باید مارو درک کنن.مثلا پدر من با همسایمون همسن هستن. همسایمون با بچه‌هاش میره تفریح،باهاشون بازی میکنه و بهشون اعتماد داره و میذاره تنها بیرون برن ولی پدر من منو محدود داره در صورتی دخترای همسایمون نه بچه های بدی هستن نه تا حالا کار اشتباهی کردن ولی پدر و مادرم اعتقاد دارن دختر نباید پاشو از خونه تنها بذاره بیرون و اصلا لزومی نداره بره گردش و تفریح حتی خودشونم باهام نمیان بیرون. بعدشم که میرم سمت اینستا یا با دوستام چت میکنم میگن چرا همش سرت تو گوشیه؟".

۳) تعصبات فرهنگی و مذهبی

خط‌کشی افراطی هنجارها، ارتباط با جنس مخالف،توجه به موضوع حجاب به طور افراطی،الگوبرداری اجباری از والدین از جمله اظهارات دانش‌آموزان در رابطه با مسائل فرهنگی مذهبی است. مصاحبه شونده‌ی شماره‌ی چهار می‌گوید:"روی حجاب و خندیدن بهم گیر میدن". همچنین مصاحبه شونده هشت گفت: "همش به من میگن برای چی همش می‌خندی؟یا بلند می‌خندی؟یا با دیگران حرف می‌زنی؟آزادی بیان رو از آدم می‌گیرن."همچنین در بخشی دیگر از صحبت‌های خود می‌گوید:"حرف زدن با پسرا رو عیب میدونن و میگن دختره حتما یه مشکلی داره و حتی نمیذارن با پسرخاله‌هام هم حرف بزنم".

۴) تبعیض جنسیتی

محدودیت به خاطر جنسیت و ارجحیت فرزند پسر موجب تفاوت دید نسبت به دختر و کاهش استقلال دختر می‌شود.مصاحبه شونده‌ی شماره پنج می‌گوید:"پسر رو فراتر از دختر میدونن کلا داداشم هر چی می‌خواد واسش فراهمه ولی من هر چی هم بگم نمیدن.با اونکه داداشم زیاده خواهه ولی واسش شده قرض میکنن و براش فراهم میکنن".

ب) پیامدها تعارض خانوادگی دانش آموز دختر

۱) پیامدهای عاطفی-روانی

طبق گفته دانش‌آموزان نوجوان پیامدهای عاطفی و روانی متاثر از نحوه برخورد والدین با فرزندان شامل پیامدهای عاطفی،هیجانی،رفتاری،روانی است.دید سنتی نسبت به نقش دختر در خانه در بعضی از خانواده‌ها و مقایسه‌ای که از سمت نوجوان با سایر همسالان شکل می‌گیرد، باعث انزوا و گوشه‌گیری و پیامدهای روانی مانند افسردگی می‌شود. مصاحبه شونده‌ی شماره‌ی چهار در پاسخ به سوال اوضاع روحی و روانی تو چگونه است میگوید:"عالیه(به طعنه) و معلومه که اونا توش تاثیر داشتن وقتی که همش بهم گیر می‌دن".همچنین مصاحبه‌شونده‌ی شماره هشت می‌گوید:"مادرم برای رسیدن به رویاهام اصلا حمایتم نمیکنه و با پدرم که اصلا حرف نمیزنم مگه اینکه مامانم یچیزی بهش بگه که باز با هم بحث کنیم"

۲) پیامدهای تحصیلی

علاوه بر پیامدهای روانی،می‌توان به پیامدهای تحصیلی اختلافات والدین با فرزندان نیز اشاره کرد که شامل افت تحصیلی، عدم نظارت والدین بر پیشرفت دانش‌آموز و کاهش انرژی و بی‌انگیزگی تحصیلی است. مصاحبه‌شونده شماره‌ی یک دراین‌باره می‌گوید:"حوصله‌ی درس خوندن ندارم".مصاحبه‌شونده‌ی شماره پنج می‌گوید:"والدینم پیگیر درسم نیستن من خودم بهشون نمره هامو میگم". همچنین مصاحبه‌شونده‌ی شماره دو می‌گوید:"پیگیر درسم نیستن ولی پیگیر اخلاقم هستند که یه وقت آبروشونو نبرم".

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر واکاوی تجارب زیسته دانش‌آموزان دختر از تعارضات با والدینشان بود. تعارض زمانی ایجاد می‌شود که اعمال یک فرد با اعمال فرد مقابل تداخل داشته باشد. همچنان که دو فرد به هم نزدیک‌تر می‌شوند، پتانسیل تعارض افزایش می‌یابد در حقیقت وقتی تعامل بین افراد بیشتر شده و فعالیت‌ها و موضوعات متنوع‌تری را در برمی‌گیرد، زمینه مخالفت بیشتر می‌شود (دلگادو[1] و همکاران، ۲۰۱۹). تجارب زیسته دانش‌آموزان دختر از تعارض خانوادگی در دو مضمون اصلی علل و پیامدها تقسیم شد. علل تعارض والدین با دانش‌آموزان دختر در چهار بعد طبقه‌بندی شد که طبقات اصلی شامل استقلال‌طلبی، شکاف بین نسلی، تعصبات فرهنگی و مذهبی و تبعیض‌های جنسیتی است. یکی از علل بروز تعارضات مسئله استقلال نوجوانان است. رست[2] (۲۰۰۱) تأکید می‌کند با رسیدن نوجوان به مرحله خود پیروی تعارضات آنان با بزرگ‌سالان آغاز می‌شود. از یک‌سو نوجوان در تلاش برای اثبات استقلال و کارآمدی خویش کنش‌هایی مغایر با کنش‌های قبلی از خود بروز می‌دهد و از سوی دیگر بزرگ‌سالان انتظار دارند که نوجوان از آنان پیروی کند.

1 Delgado
2 Rest

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

در مطالعاتی که انجام‌شده است، بیشتر تعارضات نوجوانان و والدینشان مربوط به مسئولیت‌های خانه‌داری، تمایل نوجوان به خودمختاری و استقلال از والدینشان است (رنک[1] و همکاران، ۲۰۰۷). نوجوان در جستجوی خودمختاری و ایجاد هویتی مستقل برای خود است. او خود را فردی رشد یافته در نظر می‌گیرد که توانایی تصمیم‌گیری در مسائل شخصی‌اش را دارد؛ اما در دنیایی زندگی می‌کند که تحت کنترل بزرگ‌سالان است (هی[2] و همکاران، ۲۰۲۳). رابطه والدین و فرزند در دوران انتقال به دوره نوجوانی دستخوش تغییر قرار می‌گیرد. هدایت این تغییرات در سن نوجوانی برای والدین چالش بزرگی است؛ زیرا نوجوانان در این سن تمایل بیشتری به استقلال رفتاری و همچنین ورود به فرایندهای تصمیم‌گیری دارند. سبک فرزند پروری[3] والدین بر میزان استقلالی که برای فرزندشان قائل‌اند بسیار تأثیرگذار است والدین با سبک فرزند پروری استبدادی با وضع قوانین خشک دستوری به‌شدت استقلال نوجوانان را محدود می‌نمایند. ورود ارزش‌های جدید و پذیرش آن از سوی جوانان، فرآیند رشد فردگرایی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. با افزایش فردگرایی، اهمیت رفتار دموکراتیک والدین با فرزندان دوچندان می‌گردد. درجایی که والدین در نحوه برخورد با فرزندان بیشترین انعطاف‌پذیری را داشته‌اند، از مقدار تعارض میان والدین و فرزندان کاسته شده است. به عبارتی شیوه‌های دموکراتیک‌تر والدین، اثر کاهنده در چالش‌ها و تعارض‌های خانوادگی دارد. این امر نشان می‌دهد که تغییر در شیوه‌های برخورد با فرزندان، نقش بسیار مهمی در فهم و کاهش تعارض‌ها دارد (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۰). نتایج پژوهش عارفی (۱۳۹۲) نشان داد که وضعیت اقتصادی، باورهای مذهبی والدین و جو فرهنگی خانواده ها در تعیین سبک های فرزند پروری والدین مؤثر است و همه این عوامل جزء عوامل تأثیرگذار در تربیت فرزندان محسوب می شوند.

یکی دیگر از عوامل اختلافات، شکاف بین نسلی ناشی از مسائلی نظیر عدم درک دنیای نوجوان امروز و نیازهای او و همچنین مقایسه او با نسل خود است؛ که با نتایج تحقیق معیدفر (۱۳۹۲) معتقد است تحولات اساسی در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که از عصر مشروطه آغاز و بعد از انقلاب اسلامی گسترش‌یافته موجب شکاف‌های عظیمی در جامعه گشته که شکاف نسلی یکی از مهم‌ترین این شکاف‌هاست (یاضی، تاج الدین و شکربیگی، ۱۴۰۲). اسکات و شومن (۲۰۱۰) درتحقیقی که بر روی مادران و دختران در بررسی نسل و خاطرات جمعی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که با توجه به سرعت تغییرات اجتماعی در سالیان اخیر، شاهد تغییرات ارزشی و نگرشی بین نسلها هستیم. به‌طورکلی نتایج تحقیق حاضر حاکی از انست که نوجوانی دوره‌ای است باارزش‌ها و هنجارهایی که از ارزش‌ها و هنجارهای بزرگسالان متفاوت و متضاد به نظر می‌رسد و نتیجه‌ی کلی آن مبنی بر وجود شکاف نسلی بین نوجوانان و والدین، توسط تحقیقات مختلفی نیز تأیید گردیده است (رنک و همکاران، ۲۰۰۷؛ دانش و همکاران، ۱۳۹۳؛ سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۷). نتایج پژوهش بختیاری و نصیری (۱۳۹۷) نشان داد؛ میزان استفاده از نرم افزارهای هوشمند موبایلی(تلگرام و اینستاگرام)در ایجاد شکاف نسلی دختران با مادرانشان تاثیرگذار بوده است. گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی از طریق کاهش نقش نهادهای خانواده و مدرسه، موجب تغییردر نظام ارزشی جامعه و ایجاد شکاف نسلی شده‌است که این خود انتقال ارزشها، آموزه‌های اجتماعی و فرهنگی از نسلی به نسل دیگر را با اختلال رو به رومی‌کند (خوئینی و فراشبندی، ۱۳۹۶،). یکی از رویکردهای اساسی درباره‌ی سازوکارهای ایجاد پدیده شکاف نسلی و تعارض بینش و فرهنگ بین نسل‌ها، رویکرد مانهایم است. مانهایم معتقد است که همیشه نسل‌های جدید آغازگر خودآگاهی ریشه‌ای و متمایز نسل‌های پیشین نیستند، بلکه برعکس، گسست نسلی، عمدتاً در پی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می‌شود. در چنین دورانی است که دسته‌های نسبتاً بزرگی از افراد به‌عنوان عاملان تغییر اجتماعی تند، با تفاسیر سنتی به چالش برخاسته و تفسیرهای جایگزین را مطرح می‌کنند (معیدفر، ۱۳۸۳ به نقل از یوسفی و همکاران، ۱۴۰۰). تحولات رخداده در دهه اخیر نشان می‌دهد که جوانان در جریان وسیع اطلاعات قرارگرفته‌اند و موجب پیدایش ارزش‌های نو گردیده است تا جایی که با نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید آشنا شده‌اند و به همان میزان نیز سطح انتظارات و توقعات آنان افزایش‌یافته است. جوانان عصر حاضر به دلیل تسلط بیشتر به زبان و فناوری رسانه‌های نوین، بیشترین مخاطبان این رسانه‌ها در دوران مدرن هستند تکنولوژی رسانه‌ای نوین با آگاه‌سازی جهانی و انتقال ارزش‌های نوین و قدرت بخشی به جوانان در شکل‌دهی به خرده‌فرهنگ خویش و ساختن هویت خود بر اساس اطلاعات روزآمد (ذکائی، ۲۰۰۵؛ به نقل از سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۷) باعث افزایش اختلافات و شکاف بین نسلی می‌گردد.

تجارب دختران نشان‌دهنده آن است که برخی از این تعارضات برگرفته از تعصبات فرهنگی و مذهبی والدین است. به‌عنوان‌مثال نسلی که متعلق به دوران انقلاب اسلامی و جنگ بوده و ابژه‌های نسلی آن دوران را داشتند، با نسل دوران سازندگی و آزادسازی اقتصادی و نیز نسل کنونی که توسعه اقتصادی، فردگرایی و رفاه مادی برای آن‌ها بسیار مهم و در مقابل ارزش‌های مذهبی جایگاه کمتری دارد، فاصله‌ای بسیار دارد (ازادارمکی و خادمی، ۱۳۸۲). به عقیده‌ی اینگلهارت، سطوح بالاتری از آموزش، اشاعه رسانه‌های جمعی و برخاستن دولت رفاه منجر به تغییر در مهم‌ترین

1Renk
2 He
3 Parenting styles

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

ارزش‌ها و تحول فرهنگی بسیار وسیعی گردیده که در جریان آن، نسل بزرگ‌سال در برابر تغییرات بیشتر مقاومت می‌کند و تغییر در میان گروه‌های جوان‌تر با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد (ابرامسون، ۱۹۹۹؛ به نقل ازسهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۷).

یکی از عوامل تعارض دختران با والدین، تبعیض جنسیتی است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت اگرچه آمارها و شواهد از بهتر شدن وضعیت دختران وزنان و تغییر پایگاه آن‌ها حکایت دارند ولی شدت و عمق تغییراتی که به‌صورت واقعی و عینی در موقعیت زنان پدید آمده نسبت به تغییرات ذهنی و دیدگاه اعضای جامعه در مورد زن، بسیار کمتر است؛ یعنی به نظر می‌رسد جایگاه زن در ذهنیت جامعه بالاتر از جایگاه واقعی زن است (راودراد، ۱۳۸۱). در کشور ما اگرچه وضعیت زنان نسبت به گذشته بهتر شده است، اما همچنان تبعیض جنسیتی با درجات مختلف در استان‌های متفاوت دیده می‌شود. ازجمله عواملی که مانع از تحصیل و حضور در اجتماع می‌شود نگرش‌های سنتی حاکم بر این جوامع است. در این میان، اگرچه بعضی از خانواده‌ها شرایط لازم برای تحصیل و حضور فرزندان دخترشان را در فضاهای اجتماعی فراهم می‌کنند، لیکن بعضی از آن‌ها دیدگاه کاملاً سنتی نسبت به فرزندان دختردارند و حتی نسبت به خانواده‌هایی که چنین امکاناتی را برای فرزندان دختر مهیا می‌کنند، نگاهی بدبینانه دارند. این اختلافات با توجه به میزان تحصیلات، خاستگاه اجتماعی خانواده، تعصبات مذهبی و وضعیت اجتماعی- اقتصادی خانواده‌ها متفاوت است. ازجمله عواملی که مانع از تحصیل، اشتغال و حضور دختران در فضاهای اجتماعی می‌شود، نگرش‌های سنتی حاکم بر این مناطق است. در این دیدگاه وظیفه زنان را تنها خانه‌داری در نظر می‌گیرند و انتظاری بیش از یک کدبانو از آن‌ها ندارند اگرچه زنان ناخواسته در برابر این خواسته اجتماعی مجبور به تسلیم می‌شوند، اما خود می‌تواند علت بروز اختلاف باشد. بوردیو مدعی است؛ نوعی علیت چرخشی در نظام نابرابری جنسیتی جوامع مدرن وجود دارد، به‌گونه‌ای که ساختارهای عینی اجتماعی، باورهای اجتماعی را شکل می‌دهند و افراد بر پایه این باورها به نحوی عمل می‌کنند که نظم اجتماعی جنسیتی تقویت می‌شود (هال، ۲۰۰۲). دنگ (۲۰۲۳)[1] نیز در یافته‌های خود به این نکته تأکید می‌کند که سطوح بالاتر تسلط اجتماعی رابطه بین همنوایی مردانه و پذیرش کمتر نسبت به اصلاحات فرهنگی را نمایان می‌سازد. ازیک‌طرف بوردیو مرتباً تأکید می‌کند کسب سرمایه‌ی فرهنگی (تحصیلات) یکی از راه‌های مهم در تحرک طبقاتی در جامعه مدرن است و از طرف دیگر انواع سرمایه‌ها قابل‌تبدیل به همدیگر می‌باشند؛ بنابراین برای زنانی که امکان ادامه تحصیل را نداشته باشند، کسب سرمایه‌ی فرهنگی و به‌تبع آن به دست آوردن انواع دیگر سرمایه، دشوار است و زنان کمتر می‌توانند روایت و برداشت خود از دنیای اجتماعی را محقق کنند و مجبورند که روایت‌های مردان را بپذیرند. تحقیقات نشان داده است که در میان زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی هر چه میزان تحصیلات پایین‌تر باشد پذیرش نقش‌های سنتی زن و ارزیابی مثبت از آن بیشتر است (ساروخانی و رفعت جاه، ۱۳۸۳). ما در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدیم که یکی از دلایل اختلافات والدین با فرزندان دختر تبعیض جنسیتی است که البته با توجه به تنوع عقاید و بافت فرهنگی این نتیجه در گفته‌های دانش‌آموزان ساکن برخی مناطق خاص به دست آمد.

یافته‌های پژوهش نشان داد پیامدهای تعارض والد -نوجوان شامل دو بعد پیامدهای عاطفی و روانی و تحصیلی است. مطابق یافته‌های پژوهش تعارض والد-نوجوان، پیامدهای عاطفی- روانی به دنبال دارد. هرچه میزان تعارض بین والدین و نوجوان بیشتر باشد، میزان هیجانات منفی و مشکلات رفتاری در نوجوانان بیشتر می‌شود (شولز[2]، ۲۰۲۳). نتایج مطابق با یافته‌های تحقیق صیادی (۱۳۸۱) است که گزارش داد، بین عملکرد پایین خانواده و بروز اختلالات روانی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش لشگری (۱۳۸۳) نیز که نشان داد بین کارایی خانواده و سلامت عمومی فرزند رابطه معناداری وجود دارد، نتیجه پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. شیبر و همکاران[3] (۲۰۰۷) در پژوهشی ارتباط بین گزارش‌های والد و نوجوان از تعارض والد ـ نوجوان و نشانه‌های افسردگی در نمونه‌ای از نوجوانان دارای تشخیص بالینی را دریافتند که نتیجه فوق را تأیید می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بروز اختلاف میان خانواده و دانش‌آموز دختر باعث ایجاد مشکلات در حیطه عاطفی و روانی می‌شود. زندگی خانوادگی نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی فرزندان دارد. خانواده اولین و مهم‌ترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می‌سازد. وجود مشکلات رفتاری در کودک یا نوجوان با سبک فرزند پروری ارتباط دارد. هاور[4] و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند ویژگی‌های شخصیتی والدین (میزان درونگرایی-برونگرایی، توافق پذیری، ثبات هیجانی والدین، میزان حمایت، خودکامگی و کنترل نوجوان) بر سبک فرزند پروری تأثیر دارد. مطالعات انجام شده وجود دو بعد رفتاری را در والدین مشخص نموده است: یکی بعد پذیرش- طرد و دیگری آزاد گذاشتن- محدود کردن. والدین پذیرنده در رابطه خود با فرزند، عاطفه، تأیید، گرمی و محبت نشان داده و کمتر از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند. درحالی‌که والدین طردکننده با کودکان‌شان سرد بوده و از تنبیه بدنی نیز بیشتر استفاده می‌نمایند. لابلا و ماستن[5] (۲۰۱۸) دریافتند که رفتارهای مخرب خانواده‌ها از قبیل منفی بودن، فقدان گرمی و عطوفت در خانواده، سختگیری و رویارویی با خشونت به افزایش پرخاشگری و خشونت منجر

1 deng
2 Schulz
3 Sheeber
4 Huver
5 Labella & Masten

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

می‌شود؛ اما گرمی والدین، ساختار خانواده و ارزش‌های جامعه پسند به افزایش رفتارهای انطباقی و کاهش پرخاشگری منجر می‌شود. ازاین‌رو توجه به نحوه‌ی تعامل والدین با فرزندان نوجوان یکی از عوامل تأثیرگذار درزمینهٔ سلامت روان نوجوانان است.

پیامد دیگر ناشی از تعارض بین دانش‌آموز دختر و والدین، پیامدهای تحصیلی است؛ که این یافته دارای زیر مضامینی شامل افت تحصیلی، عدم نظارت والدین بر پیشرفت دانش‌آموز و کاهش انرژی است. نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های قمری و همکاران (۱۳۹۳)؛ بروکویک[1] و همکاران (۲۰۱۴) و مک گویی[2] و همکاران (۲۰۰۵) است که نشان می‌دهد، پدیده تعارض والدـ نوجوان با پیشرفت تحصیلی نوجوانان رابطه منفی دارد. مطابق با یافته پژوهش الیسون و شولتز[3] (۲۰۰۴) نیز می‌باشد که نشان می‌دهد، اختلاف‌نظر درباره تکالیف و وظایف مدرسه، شایع‌ترین نوع تعارض در بافت تعامل والدـ نوجوان است. نتایج پژوهش‌های اخیر از نقش مخرب مشارکت والدینی مهارگر در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی نوجوانان حمایت می‌کند (بروکویک[4] و همکاران، ۲۰۱۴). بر اساس نتایج پژوهش‌های پاکلک[5] و همکاران (۲۰۱۳) و کارباخ[6] و همکاران (۲۰۱۳)، فشار تحصیلی والدینی، مهار پیشرفت محور والدینی و انتقاد درباره وظایف تحصیلی نوجوانان بر عملکرد تحصیلی آن‌ها اثراتی منفی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت والدینی که از ویژگی‌های رشدی نوجوان همچون استقلال‌طلبی آگاهی ندارند ممکن است از طریق امرونهی کردن، دستورالعمل‌های مستقیم، اصرار و تأکید بر تحصیل، کنترل‌گری و اعمال فشار در امور تحصیلی نوجوان دخالت نموده و علاوه بر مختل نمودن رابطه منجر به مقاومت نوجوان و عدم توجه به تحصیل گردد که می‌تواند پیشرفت تحصیلی را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار دهد. نتایج پژوهش البرزی (۱۳۸۲) نشان می‌دهد، مشارکت والدین در امور مدرسه موجب نگرش مثبت والدین نسبت به خود، مدرسه و نقش کادر آموزشی در رشد و تربیت فرزندشان می‌شود. به نظر ویلیام و چاوکین (۱۹۸۹) چنانچه والدین در سطوح متفاوت مشارکت، مانند تصمیم‌گیری، کار داوطلبانه، کار با کودک در خانه و... دخالت داشته باشند، پیشرفت فرزندشان بیشتر است. درنتیجه نظارت و همکاری والدین در امر تحصیل فرزندان و بی‌تفاوت نبودن باعث پیشرفت فرزندان در تحصیل می‌گردد. فرزند پروری غیر اثربخش ممکن است به‌تعارض والدـ نوجوان کمک کند. تعارض والد نوجوان هنگامی‌که والدین توسط نوجوان، بی‌توجه و غیر حمایت‌کننده درک می‌شوند، بیشتر می‌شود (بایوقلو و اوزمتی[7]، ۲۰۰۹).

این مطالعه با مشارکت ۱۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه و در بافت فرهنگی-اجتماعی استان خراسان جنوبی و به شیوه کیفی پدیدار شناختی و به‌صورت خود گزارشی انجام‌شده است. بدیهی است در تعمیم نتایج باید دقت و احتیاط لازم لحاظ شود. پیشنهاد می‌شود؛ مطالعاتی با دانش‌آموزان پسر از مقاطع مختلف تحصیلی با شیوه‌های پژوهشی کمی و آمیخته و در مناطق و استان‌های دیگر نیز انجام و همچنین تعارضات والد-نوجوان از دیدگاه والدین و مشاوران هم موردبررسی قرار گیرد.

مطابق با یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود برنامه‌ای مدون برای آموزش ویژگی‌های نوجوانان، ارتباط با نوجوانان، حل تعارض برای والدین و دانش‌آموزان مقطع متوسطه به‌صورت کلاس‌های آموزش خانواده یا کارگاه‌های آموزشی تدوین و نسبت به تألیف، چاپ و معرفی کتب در این زمینه به والدین و دانش‌آموزان اقدام شود. برنامه‌ریزی در هر زمینه‌ای مستلزم شناخت عناصر و عوامل پدیدآورنده و مؤلفه‌های مؤثر است. بدیهی است نتایج این پژوهش در برنامه‌ریزی جهت حل تعارضات والد-نوجوان می‌تواند مؤثر باشد.

منابع

آزادارمکی، ت.، و خادمی، ح. (۱۳۸۲). ترجیحات ارزشی دانش آموزان تهرانی. *نامه پژوهش فرهنگی*، ۸(۸)، ۳-۲۸. SID. https://sid.ir/paper/486374/fa

استادان طرح جامع آموزش خانواده. (۱۳۸۹). *خانواده و فرزندان در دوره ی دبیرستان تهران*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

اعتمادی زاده، ه.، محمدی، ح.، آریاپوران، س. (۱۴۰۱). رابطه ی بین تعامل والد-کودک و معلم-کودک با تفکر انتقادی دانش‌آموزان پایه‌ی ششم. *اندیشه های نوین تربیتی*، ۱۸ (۳)، ۱۸۷-۲۰۲. https://doi.org/10.22051/jontoe.2022.31404.3046

امیر حسینی، ز. (۱۳۹۰). اصول و شیوه های مؤثر در ارتباط والدین و فرزندان. *طهورا*، ۴(۱۱)، ۷۷-۱۰۷. https://ensani.ir/file/download/article/20121212084746-9419-23

اینانلو، م.، بشردوست، س.، ابوالمعالی الحسینی، خ. (۱۴۰۱). ارائه الگوی پیش بینی اعتیاد به بازی‌های آنلاین بر اساس ویژگی‌های شخصیتی هگزاکو و رابطه والد-فرزند با میانجی‌گری تکانشگری. *خانواده درمانی کاربردی*، ۳(۱)، ۲۸۵-۳۱۰. https://doi.org/10.22034/aftj.2022.293484.1131

آقامیرمحمدعلی، ز. (۱۳۹۹). اثربخشی گروه درمانی تحلیل ارتباط متقابل بر تعارض والدفرزندی مادران با طرحواره ناسازگار طرد و بریدگی. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۳ (۴۸)، ۷-۲۱. https://doi.org/10.30495/jwsf.2020.1899745.1450

1 Brkovic
2 McGue
3 Allison & Schultz
4 Brkovic
5 Puklek
6 Karbach
7 Bayoglue & Ozmete

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

البرزی، ش. (۱۳۸۲). *روش‌های نوین ارتباط والدین با مدرسه*. تهران: انتشارات پژوهشکده ی خانواده.

بختیاری، آ.، و نصیری، ب. (۱۳۹۷). تاثیر آموزش های نرم افزارهای هوشمند موبایلی (تلگرام و اینستاگرام) در ایجاد شکاف نسلی دختران با مادرانشان در نظام آموزش عالی ایران. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*۱۲،(ویژه‌نامه)، ۹۵۱-۹۶۷. https://www.jiera.ir/article_65035.html

جعفری ندرآبادی، م.، باقری، ف.، قربان جهرمی، ر. (۱۴۰۱). نقش واسطه ای عزت نفس در رابطه ارتباط والد فرزند و سبک زندگی تحصیلی سلامت محور. *آموزش پرستاری، ۱۱*(۱)، ۷۹-۹۲. http://dx.doi.org/10.22034/jne.11.1.79

خضری، م.، محمودپور، ع.، وحدانی، م.، اسمعیلی، م. (۱۴۰۰). پدیدارشناسی مدیریت تعارضات والد-فرزند در دوران شیوع ویروس کرونا. *رویش روان شناسی، ۱۰*(۷)، ۶۷-۷۶. http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1400.10.7.6.8

خوشخرام، ن.، گلزاری، م. (۱۳۸۹). اثر بخشی آموزش افزایش عاطفه مثبت بر میزان رضایت زناشویی و سبک دلبستگی در دانشجویان متاهل. *مطالعات روانشناختی، ۷*(۳)، ۵۰-۲۹. https://doi.org/10.22051/psy.2011.1541

خوئینی، م.، فراشبندی، ر. (۱۳۹۶)، شبکه‌های اجتماعی و شکاف بین نسلی»،مجموعه مقالات اولین دوره همایش ملی آسیب شناسی و آسیب زدایی پدیده شکاف بین نسلی (زمینه‌ها، چالشها، و راهکارها).

دانش، پ.، ذاکری نصرآبادی، ز.، سادات عبداللهی، ع. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه شناختی شکاف نسلی در ایران. *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۳(۱۳)، ۲۶-۳۸. https://civilica.com/doc/1206808

راودراد، ا. (۱۳۸۱). *مقایسه نقش محقق و مورد انتظار زنان تهرانی*. معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.

ساروخانی، ب.، رفعت جاه، م. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان تهران دانشکده علوم اجتماعی. زن در *توسعه و سیاست*، ۲(۱)، ۷۱-۹۱. https://journals.ut.ac.ir/article_13273.html

ساعی، م. (۱۴۰۱). الگوهای ارتباطات میان‌فردی والدین و فرزندان در خانواده (تحلیل تجربهٔ فرزندان در خانواده های تهرانی). *فصلنامه مطالعات فرهنگ–ارتباطات*، ۲۳(۵۸)، ۳۲۸-۲۹۷. https://doi.org/10.22083/jccs.2021.264538.3255

سعادتی، ن.، یوسفی، ز.، گل پرور، م. (۱۳۹۹). اثربخشی برنامه آموزش والدین به شیوه استپ (STEP) بر کیفیت روابط والد-فرزندی، خودکارآمدی والدگری و انعطاف‌پذیری شناختی مادران نوجوانان. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۹(۹۴)، ۱۳۳۰-۱۳۱۹. http://dorl.net/dor/20.1001.1.17357462.1399.19.94.4.8

سهراب زاده، م.، پرنیان ل.، نیازی، م.، خواجه نوری، ب.، صادقی ده چشمه س. (۱۳۹۸). مطالعه‌ی کیفی تجربه شکاف نسلی (نمونه مورد مطالعه: دختران شهر کرمانشاه). *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۰(۳۷)، ۱-۲۸. https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1398.10.37.1.0

شیرالی نیا، خ.، ایزدی، م.، اصلانی، خ. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای استرس فرزندپروری، کیفیت رابطه مادر-کودک و سلامت روان مادر در رابطه بین فرزندپروری ذهن‌آگاهانه و مشکلات رفتاری کودکان. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ، ۱۳۵-۱۴۶. https://qccpc.atu.ac.ir/article_9669.html

صیادی، ع. (۱۳۸۱). بررسی اثرات متقابل کارایی خانواده در بروز مشکلات روانی نوجوانان دختر و پسر پایه سوم متوسطه شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی.

عارفی، م. (۱۳۹۲) .عوامل تاثیر گذار بر شکل گیری سبک های فرزند پروری در خانواده های شهرستان اندیمشک. پایان نامه ارشد رشته آموزش بزرگسالان، دانشگاه شهید بهشتی

عزت‌پور، ع.، رضائی، ر.، رحمانی، س.، دلخوش، و. (۱۳۹۹). نقش تعارض والد-نوجوان و حمایت اجتماعی در پیش‌بینی بحران وجودی دانش‌آموزان. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت، ۷*(۲)، ۶۳-۵۳. https://doi.org/10.52547/shenakht.7.2.53

قاضی، م.، باقری، ف.، قربان جهرمی، ر.، ابوالمعالی حسینی، خ. (۱۴۰۰). الگوی ساختاری رابطه بین ارتباط والد- فرزند و سبک‌های تصمیم‌گیری با میانجیگری تنظیم شناختی هیجان. *روان پرستاری*، ۹(۵)، ۴۹-۶۲. http://ijpn.ir/article-1-1825-fa.html

قمری، م.، امیری مجد، م.، خوشنام، ا. (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده و تعارض والد-نوجوان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع راهنمایی. آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)، ۷(۲۸)، ۵۱-۶۲ https://sid.ir/paper/183548/fa

کفایت، م. (۱۳۷۳). *بررسی ارتباط شیوه های و نگرش های فرزند پروری با خلاقیت و بررسی رابطه خلاقیت با هوش و پیشرفت تحصیلی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی.

لشگری، م. (۱۳۸۳). رابطه بین کارایی خانواده و سلامت عمومی فرزندان .پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

مجلسی آذر، م.، غفاری، خ.، ناطقی، ف. (۱۳۹۹). اثربخشی الگوی تربیتی والدین مبتنی بر مهارت گفتگو در افزایش همدلی و ادراک رابطه والد (مادر)-فرزند (کاهش شکاف بین نسلی) در دانش آموزان مقطع متوسطه مدارس دولتی ناحیه (۱) شهرستان ارومیه. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۳(۶)، ۲۲۲۳-۲۲۱۱. https://doi.org/10.22038/mjms.2021.18499

محرابیان، بهروز؛ دوکانه ای فرد، فریده؛ فتاحی اندبیل، اعظم. (۱۴۰۱). اثربخشی بسته توانمندسازی روان‌شناختی والدین بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد. *روانشناسی افراد استثنایی، ۱۲*(۴۷)، ۱۹۵-۲۲۴. https://jpe.atu.ac.ir/article_15239.html

محمدپور، ا. (۱۳۸۹). ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری. *فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۷*(۴۸)، ۷۳-۱۰۷. https://doi.org/10.22054/qjss.2010.874

وارسته، م. (۱۳۹۵). *اثربخشی برنامه والدگری مثبت بر تنیدگی، پذیرش و طرد والدینی، کیفیت تعامل والد-کودک و سبک‌های والدگری مادران کودکان دبستان شهر اهواز*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.

یزدان، ک.، خسروی، ص.، چین آوه، م. (۱۴۰۱). پیش بینی رفتارهای خودجرحی براساس رابطه والد – فرزند و تنظیم هیجانی در نوجوانان. *دوفصلنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان*، ۳(۲)، ۲۲۷-۲۳۸. https://doi.org/10.61838/kman.jayps.3.2.17

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

یوسفی، ط.، فلاح، م.، وزیری، س.، افشانی، ع. (۱۴۰۰). مطالعه کیفی: تبیین پیامد تعارض والد-نوجوان از دیدگاه والدین در شهر یزد. *مجله مطالعات ناتوانی*، *۱۱*، ۱۰۴-۹۵. http://dx.doi.org/10.29252/mejds.0.0.170

یوسفی، ع.، حمیدی، ف.، فکوری حاجی‌یار، ح. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر رابطه والد- فرزندی و حضانت توافقی فرزندان در والدین متقاضی طلاق سازش‌نایافته. *نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری*، ۹ (۱)، ۷۵-۸۴. http://dx.doi.org/https://doi.org/10.22034/IJRN.9.1.75

Adeoye-Olatunde, O. A., & Olenik, N. L. (2021). Research and scholarly methods: Semi-structured interviews. *Journal of the american college of clinical pharmacy*, *4*(10), 1358-1367. https://accpjournals.onlinelibrary.wiley.com/journal/25749870

Allison, B. N., & Schultz, J. B. (2004). Parentadolescent conflict in early adolescence. Adolescence, 39, 101-119. https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/15230069/

Bayoglu, A. S., & Ozmete, E. (2009). parent-young adult conflict:A measurement on freduency and intencity of conflict issues. The Journal of International Social Research, 2, 313-322.

Brkovic, I., Keresteš, G., & Levpušček, M. P. (2014). Trajectories of change and relationship between parent adolescent school-related conflict and academic achievement in early adolescence. Journal of Early Adolescence, 34(6), 792-815. https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0272431613503213

Chia, D. X. Y., Ng, C. W. L., Kandasami, G., Seow, M. Y. L., Choo, C. C., Chew, P. K. H., Lee, C., & Zhang, M. W. B. (2020). Prevalence of Internet Addiction and Gaming Disorders in Southeast Asia: A Meta-Analysis. *International journal of environmental research and public health*, *17*(7), 2582-2598. https://doi.org/10.3390/ijerph17072582

Delgado, M. Y., Nair, R. L., Updegraff, K. A., & Umaña-Taylor, A. J. (2019). Discrimination, Parent-Adolescent Conflict, and Peer Intimacy: Examining Risk and Resilience in Mexican-Origin Youths' Adjustment Trajectories. *Child development*, *90*(3), 894–910. https://doi.org/10.1111/cdev.12969

Deng, M. E., Nicol, A. A. M., & Ralph, C. S. (2023). Masculine Conformity and Social Dominance's Relation With Organizational Culture Change. *Armed Forces & Society*, *50*(3), 1-18. https://doi.org/10.1177/0095327X231178522

Duca, D., Ursu, A., Bogdan, I., & Rusu, P. P. (2023). Emotions and emotion regulation in family relationships. *Revista Romaneasca Pentru Educatie Multidimensionala*, *15*(2), 114-131. https://doi.org/10.18662/rrem/15.2/724

Gong, J., Zhou, Y., Wang, Y., Liang, Z., Hao, J., Su, L., ... & Wang, Y. (2022). How parental smartphone addiction affects adolescent smartphone addiction: The effect of the parent-child relationship and parental bonding. *Journal of Affective Disorders*, *30*(7) , 271-277. https://doi.org/10.1016/j.jad.2022.04.014

He, E., Ye, X., & Zhang, W. (2023). The effect of parenting styles on adolescent bullying behaviours in china: the mechanism of interpersonal intelligence and intrapersonal intelligence. *Heliyon*, *9*(4), e15299. https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e15299

Hull. K.E. (2002). Review of masculine domination. *social force*, *81*(1), 351-352. https://doi.org/10.1353/sof.2002.0048

Huver, R., Otten, R., Vries, H., & Rutger, C. (2010). Personality and parenting style in parents of adolescents. Journal Of Adolescent, 33, 395- 402. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2009.07.012

Imrie, S., Zadeh, S., Wylie, K., & Golombok, S. (2021). Children with trans parents: Parent–child relationship quality and psychological well-being. *Parenting*, *21*(3), 185-215. https://doi.org/10.1080%2F15295192.2020.1792194

Jiang, Y., & Lin, X. (2024). Maternal Intergenerational Transmission of Child Maltreatment and Emotion Dysregulation in Chinese Children with Oppositional Defiant Disorder. *The Family Journal*, *32*(3), 18-28. https://doi.org/10.1177/10664807241256133

Johnson, A. and Rogers, M. (2023). Strengthening and supporting parent–child relationships through digital technology: benefits and challenges. *Family Relations*, *73*(3), 1550-1567. https://doi.org/10.1111/fare.12960

Karbach, J., Gottschling, J., Spengler, M., Hegewald, K., & Spinath, F. M. (2013). Parental involvement and general cognitive ability as predictors of domain-specific academic achievement in early adolescence. Learning and Instruction, 23, 43-51. https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.learninstruc.2012.09.004

Labella, M. H, & Masten, A. S. (2018). Family influences on the development of aggression and violence. Curr Opin Psychol. 19, 11-6. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2017.03.028

Lang, S. N., Jeon, L., Schoppe-Sullivan, S. J., & Wells, M. B. (2020). Associations between parent–teacher cocaring relationships, parent–child relationships, and young children's social emotional development. *Child & Youth Care Forum*, *49*, 623-646. https://link.springer.com/article/10.1007/s10566-020-09545-6

Li, W., Tan, F., Zhou, Z., Xue, Y., Gu, C., & Xu, X. (2022). Parents' Response to Children's Performance and Children's Self-Esteem: Parent–Child Relationship and Friendship Quality as Mediators. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *19*(10), 6012-6022. https://doi.org/10.3390%2Fijerph19106012

Luthar, S. S.,&Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child Development*, *71*, 543-562. https://doi.org/10.1111%2F1467-8624.00164

McGue, M., Elkins, I., Walden, B., & Iacono, W. G. (2005). Perceptions of the parent-adolescent relationship: A longitudinal investigation. Developmental Psychology, 41(6), 971-984. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0012-1649.41.6.971

Pang, Bizhao., Low, Kin Huat., Lv, Chen. (2022). Adaptive conflict resolution for multi-UAV 4D routes optimization using stochastic fractal search algorithm. *Transportation Research Part C: Emerging Technologies*, *139*, 10-36. https://doi.org/10.1016/j.trc.2022.103666

Puklek Levpušček, M., Zupančič, M., & Sočan, G. (2013). Predicting achievement in mathematics in adolescent students: The role of individual and social factors. Journal of Early Adolescence, 33(4), 523-551. https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0272431612450949

Qiu, C., Li, R., Luo, H., Li, S., & Nie, Y. (2022). Parent-child relationship and smartphone addiction among Chinese adolescents: A longitudinal moderated mediation model. *Addictive Behaviors*, *130*, 107304. https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2022.107304

Renk, K., Liljequist, L., Simpson, J.E., & Phares, V. (2007). Gender and age differences in the topics of parent adolescent

Rest , R. (2001). Cognitive Approach to Child Development , Boston: Wadsworth.

Schoorl, J., Van Rijn, S., De Wied, M., Van Goozen, S., & Swaab H. (2017). Neurobiological stress responses predict aggression in boys with oppositional defiant disorder/conduct disorder: a 1-year follow-up intervention study. *Eur Child Adolesc Psychiatry*, *26*(7), 805-813. https://doi.org/10.1007/s00787-017-0950-x

Schulz, S., Nelemans, S. A., Hadiwijaya, H., Klimstra, T. A., Crocetti, E., Branje, S., … & Meeus, W. (2022). The future is present in the past: a meta-analysis on the longitudinal associations of parent–adolescent relationships with peer and romantic relationships. *Child Development*, *94*(1), 7-27. https://doi.org/10.1111/cdev.13849

Scott J and Schuman, H. (2010). Generation and Collective Memories: American, Sociological Review: V. 54.

Sheeber, L. B. Davis, B. Leve, C. Hops, H. & Tildesley, E. (2007). Adolescents' investigations of emotional security as an explanatory mechanism. Child Development, 77, 132-152 Shao, Y., & Kang, S. (2022). The link between parent–child relationship and learning engagement among adolescents: The chain mediating roles of learning motivation and academic self-efficacy. *In Frontiers in Education*, *7*, 144-154. https://doi.org/10.3389/feduc.2022.854549

Song, L., Fang, P., Jiang, Z., Li, S., Song, X., & Wan, Y. (2022). Mediating effects of parent-child relationship on the association between childhood maltreatment and depressive symptoms among adolescents. *Child Abuse & Neglect*, 131, 105408. https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2021.105408

Zhao, F., Liu, M., & Li, S. (2020). Paternal coparenting behavior and adolescent prosocial behaviors: Roles of parent-child attachment, peer attachment, and gender. *Children and Youth Services Review*, *338*, 323-329. https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105629

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]